

طرف و اتحاد شوروی از طرف دیگر فقط میتواند در نتیجه مبارزه مصمم و مؤثر تمام نیروهای دموکراتیک جهان علیه نیروهای ارتجاعی آمریکا، انگلستان و فرانسه بدست آید. اینگونه سازشها ایجاب نمیکند که خلقهای کشورهای سرمایه‌داری جهان در کشورهای خود با پیروی از آن سازش کنند. خلقهای این کشورها کمافی السابق بنا بر اوضاع خاص خود به اشکال گوناگون مبارزه خواهند کرد. اصلی که نیروهای ارتجاعی در برابر نیروهای دموکراتیک توده‌ای از آن پیروی میکنند، چنین است: نابود کردن قطعی آنچه نابود شدنی است و تدارک دیدن برای نابود آنچه فعلاً نمیتوان نابود کرد. در چنین شرایطی نیروهای دموکراتیک توده‌ای نیز باید این اصل را در مورد نیروهای ارتجاعی بکار بندند.

کنند؛ در عین حال رفیق مائو تسه دون خاطر نشان میسازد که امکان آن هست که کشورهای سوسیالیستی با کشورهای امپریالیستی به بعضی سازشها برسند، ولی معیذا این سازشها "ایجاب نمیکند که خلقهای کشورهای سرمایه‌داری جهان در کشورهای خود با پیروی از آن سازش کنند"، "خلقهای این کشورها کمافی السابق بنا بر اوضاع خاص خود به اشکال گوناگون مبارزه خواهند کرد". این سند در آن زمان انتشار نیافت، بلکه فقط در دسترس برخی از رفقای رهبری کمیته مرکزی حزب قرار گرفت و سپس در جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، متشکله در دسامبر ۱۹۴۷، بین اعضای کمیته مرکزی توزیم گردید. پس از آنکه رفقای حاضر در این جلسه با اتفاق آرا محتوی آنرا تصدیق و تصویب کردند، متن کامل آن بعداً در «بخشنامه درباره مصوبات جلسه دسامبر ۱۹۴۷ کمیته مرکزی» که در ژانویه ۱۹۴۸ از طرف کمیته مرکزی منتشر گردید، داخل شد.

www.KetabFarsi.com

تعرض چانكائيشك را با جنگ دفاع از خود درهم بشكنيم

(۲۰ ژوئيه ۱۹۴۶)

۱ - چانكائيشك پس از آنكه موافقتنامه متاركه (۱) را از هم دريد ، تصميمات كنفرانس مشورتي سياسي (۲) را نقض كرد و سي پين ، چان چون و ساير شهرهاي ما را در شمال شرقي بتصرف در آورد اينك به تعرض جديد پردامنه‌اي بر ضد ما در چين شرقي و شمالي دست زده است ؛ و امكان آن هست كه بعداً حملات خود را به شمال شرقي از سر بگيرد . خلق چين نمیتواند صلح برقرار سازد مگر آنكه تعرض چانكائيشك را با جنگ دفاع از خود بكلي درهم شكند .

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . در زمستان ۱۹۴۵ چانكائيشك « موافقتنامه ۱۰ اکتبر » را از هم دريد ، ولی تدارکات او برای جنگ داخلی همگانی پایان نرسیده بود ، بویژه آنکه هنوز نیروهای مهمی از گومیندان به جیبه جنگ داخلی انتقال نیافته بود . از این جهت دولت چانكائيشك در ژانویه ۱۹۴۶ تحت فشار همه خلق که صلح و دموکراسی میخواست ناچار شد كنفرانس مشورتي سياسي را که حزب

۲ - حزب ما و ارتش ما مشغول کلیه تدارکات لازم اند تا تعرض چانکایشک را در هم شکنند و باین طریق صلح بدست آورند . چانکایشک از کمک آمریکا برخوردار است ولی احساسات خلق بر ضد او است ، روحیه سپاهیانش ضعیف است و اقتصادش در وضعیت دشواری است . ما کمکی از خارج دریافت نداریم ولی احساسات خلق با ما است ، روحیه سپاهیان ما قوی است و از لحاظ اقتصادی میتوانیم گلیم خود را از آب بیرون بکشیم . پس ما قادریم که بر چانکایشک پیروز شویم . بایند در این موضوع اطمینان کاملی در سراسر حزب ما برقرار باشد .

۳ - برای پیروزی بر چانکایشک ، آن شیوه نبرد که بطور کلی

کمونیست چین و سایر احزاب دموکراتیک در آن شرکت جستند دعوت کند . کنفرانس یک سلسله قطعنامه‌هایی به‌وفاداری از صلح و دموکراسی تصویب کرد ، فرمان آتش‌بس در ۱۰ ژانویه داده شد . اما چانکایشک قصد نداشت تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی و فرمان آتش‌بس را مراعات کند . در نیمه اول سال ۱۹۴۶ سپاهیان گومیندان به حمله بر نقاط متعددی از مناطق آزاد شده ادامه دادند . حمله‌ای که در شمال شرقی روی داد بویژه پردامنه بود و وضعیت زیرین پیش آمد : نبردهای کوچک در جنوب دیوار بزرگ چین و نبردهای بزرگی در شمال آن . در این اثنا آمریکا کوشش فراوان بکار میبرد تا سپاهیان گومیندان را نقل و انتقال دهد و مجهز گرداند . در پایان ژوئن ۱۹۴۶ چانکایشک و خداوندگاران آمریکائیش خود را کاملاً آماده دیدند و قادر دانستند که در عرض سه تا شش ماه ارتش آزادیبخش توده‌ای را بکلی نابود سازند . از این جهت به تعرض عمومی بر مناطق آزاد شده دست زدند ، تعرضی که در ۲۶ ژوئن با حمله وسیع برای محاصره منطقه آزاد شده دشتهای مرکزی آغاز گردید . از ژوئیه تا پایان سپتامبر سپاهیان گومیندان پشت سرهم به حملات پردامنه بر مناطق آزاد شده جیان‌سو - ان‌هوی ، شان‌دون ، شان‌سی - حه‌به - شان‌دون - حه‌نان ، شان‌سی - چاهار - حه‌به و شان‌سی - سوی یوان عبادرت جستند . در اکتبر دوباره

باید بکار رود شیوه جنگ متحرك است . پس ترك سوقت برخی از سرزمین ها یا برخی از شهرها نه فقط اجتناب ناپذیر است بلکه ضروری است . اگر ما برخی از سرزمین ها یا برخی از شهرها را موقتاً ترك میکنیم بان علت میباشد که پیروزی نهائی باین قیمت است . طور دیگر نمیتوانیم بان برسیم . ما باید این نکته را بهمه اعضاء حزب ، بهمه اهالی مناطق آزاد شده بروشنی بفهمانیم تا اذهان خود را آماده سازند .

۴ - ما برای در هم شکستن تعرض چانكایشك باید با توده های مردم از نزدیک همکاری کنیم و کلیه کسانی را که میتوانند بجانب ما بیایند جلب کنیم . در روستاها از يك طرف باید مسئله ارضی

به حمله وسیع بر ناحیه آزاد شده شمال شرقی پرداختند . در عین حال با نیروهای مهمی به محاصره منطقه آزاد شده شنسی - گان سو - نین سیا ادامه دادند . آنگاه که جنگ داخلی بمقیاس ملی در گرفت گومیندان ۱۹۳ تیپ (یا لشگر) یعنی در حدود ۱,۶۰۰,۰۰۰ تن از سپاهیان منظمش را در حمله بر مناطق آزاد شده بکار انداخت . این ۸۰ درصد مجموعه نیروهای گومیندان بود که بر ۲۴۸ تیپ (یا لشگر) منظم یعنی ۲ میلیون نفر بالغ میشد . ارتش و مردم مناطق آزاد شده برهبری کمیته مرکزی حزب و بوروها و شعبات بوروی کمیته مرکزی برای در هم شکستن تعرض سپاهیان چانكایشك دلیرانه نبرد کردند . در این دوره در مناطق آزاد شده شش صحنه بزرگ عملیات وجود داشت . اینست صورت آن شش صحنه و نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای که در آنجا میجنگیدند :

منطقه آزاد شده شانسی - حه به - شان دون - حه نان با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای بفرماندهی لیو به چن ، دن سیائو پین و رفقای دیگر .
منطقه آزاد شده چین شرقی (شامل مناطق آزاد شده شان دون و جیان سو - ان هوی) با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای بفرماندهی چن ای ، سویو ، تن جن لین و رفقای دیگر .

را با قاطعیت حل کنیم ، بر مزدوران کشاورزی و دهقانان فقیر محکم تکیه کنیم ، و با دهقانان میانه حال متحد شویم ؛ از طرف دیگر باید در حل مسئله ارضی ، دهقانان سرفه معمولی و مالکان کوچک و متوسط ارضی را از خائنان ، اشراف زیانکار و مستبدان محلی تشخیص بدهیم . باید با خائنان ، اشراف زیانکار و مستبدین محلی بیشتر سختگیر باشیم و با دهقانان سرفه و مالکان کوچک و متوسط ارضی کمتر . و در آنجا که هم اکنون مسئله ارضی حل شده است باید روش خود را معتدل سازیم و با مجموعه طبقه مالکان ارضی ، بااستثنای گروه اندک مرتجعان ، نرم تر رفتار کنیم . برای آنکه از تعداد عناصر دشمن بکاهیم و مناطق آزاد شده را

منطقه آزاد شده شمال شرقی با نیروهای ارتش آزادیبخش توده‌ای بفرماندهی لین‌بیائو ، لوه ژون هوان و رفقای دیگر .

منطقه آزاد شده شانسی - چاهار - حبه با نیروهای ارتش آزادیبخش توده‌ای بفرماندهی نیه ژون جن و رفقای دیگر .

منطقه آزاد شده شانسی - سوی یوان با نیروهای ارتش آزادیبخش توده‌ای بفرماندهی هولون و رفقای دیگر .

منطقه آزاد شده دشتهای مرکزی با نیروهای ارتش آزادیبخش توده‌ای بفرماندهی لی سیان نیان ، جن وی سان و رفقای دیگر .

ارتش آزادیبخش توده‌ای در آن موقع مجموعاً بر ۱,۲۰۰,۰۰۰ تن بالغ میشد از لحاظ تعداد از دشمن کمتر بود . ارتش مذکور استراتژی تنظیمی رفیق مائو تسه دون را بدرستی اجرا کرد و پیوسته ضربات سنگین بر دشمن متجاوز وارد ساخت . ارتش آزادیبخش توده‌ای پس از آنکه در عرض مدتی قریب هشت ماه ۶۶ تیپ منظم و واحدهای غیرمنظم دشمن یعنی متجاوز از ۷۱۰,۰۰۰ تن را نابود کرد تعرض همگانی دشمن را متوقف گردانید و سپس بتدریج به گسترش تعرض متقابل استراتژیک پرداخت .

تحكيم كنيم بايد به همه مالكان ارضي كه در تاسين معاش خویش بڑحمت افتاده‌اند كمك برسائيم ، مالكان ارضي فراري را به بازگشت فرا خوانيم و بانها امكان تاسين معاش بدهيم . در شهرها نه فقط بايد با طبقه كارگر ، خرده بورژوازي و كلييه عناصر مترقي متحد شويم بلكه بايد در اندیشه اتحاد با عناصر ميانه حال نيز باشيم تا آنكه مرتجعان را منفرد سازيم . در ميان سپاهيان گوميندان بايد كلييه كساني را كه ممكن است با جنگ داخلي مخالف باشند بسوي خویش جلب كنيم . و ستيزه‌جويان را منفرد گردانيم .

۵ - برای در هم شكستن تعرض چانكائيشك بايد نقشه‌های خود را برای مدت متمادی تنظيم كنيم . در استفاده از نيروهای انساني و مادی خویش بايد صرفه‌جوئی بسيار بكار بريم و يا تمام اسكانات خود از اسراف جلوگيريم . بايد بمواردی كه در اینجا و آنجا فساد پيدا شده است رسيدگی كنيم و آنها را براندازيم . بايد مصممانه بكار توليد پردازيم تا بتوانيم كلييه نيازمندي‌های خویش را از حيث محصولاتى كه در درجه اول ضرورت اند و بويژه از حيث غلات و پارچه خودمان رفع كنيم . بايد كشت پنبه را عمومي گردانيم ، هر خانواده را به رشتن و هر دهكده را به بافتن تشويق نمائيم . بايد حتى در شمال شرقى به بسط اين فعاليت‌ها دست بزنيم . در زمينه امور مالی و تداركات بايد نيازمندي‌های مادی جنگ دفاع از خود را برآورده سازيم و در عين حال بار مردم را سبك كنيم بطورى كه شرايط زندگى آنها در مناطق آزاد شده ما با وجود جنگ بهتر شود . خلاصه آنكه ما بر خلاف چانكائيشك كه همه چیزش وابسته به خارجه است تماماً بر كوشش‌های خویش تكيه ميكنيم و غلبه ناپذيريم . سادگی در زندگى و استواری در نبرد پيشه ماست ؛ ما

هم به نیازسندیهای ارتش و هم به نیازسندیهای خلق توجه داریم . ولی بر عکس ، در مناطقی که تحت نظارت چانکایشک است طبقات بالای اجتماع فاسد و پوسیده‌اند و خلق در بینوائی غوطه‌ور است . در چنین احوالی ما به پیروزی خویش اطمینان کامل داریم .

۶ - دشواریهایی در برابر ما برپا است . اما بر این دشواریها میتوان و باید غلبه کرد . همه رفقای حزبی ، همه سپاهیان و همه خلق مناطق آزاد شده باید برای در هم شکستن کامل تعرض چانکایشک یک پارچه باشد و چین نوین ، مستقل ، صلح‌جو و دموکراتیک برپا سازند .

یادداشتها

۱ - « موافقت‌نامه متارکه » موافقت‌نامه‌ای بود درباره قطع مخاصمات که در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ میان نمایندگان حزب کمونیست چین و نمایندگان دولت گومیندان چانکایشک منعقد شد . موافقت‌نامه مقرر میداشت که سپاهیان طرفین عملیات نظامی را در مواضع خویش از نیمه شب ۱۳ ژانویه متوقف خواهند ساخت . ولی در واقع چانکایشک از این موافقت‌نامه بمثابه پرده دودی استفاده کرد که در پس آن باتخاذ تصمیماتی برای جنگ داخلی عظیمی پرداخت . وی در همان لحظه که فرمان آتش بس مخابره میشد به سپاهیان گومیندان فرمان " تصرف نقاط استراتژیک " داد و از این لحظه بعد پیوسته واحدهائی را به حمله بر مناطق آزاد شده گماشت . چانکایشک در ژوئیه موافقت‌نامه متارکه را آشکارا از هم درید و به تعرضی عمومی بر مناطق آزاد شده مبادرت جست .

۲ - کنفرانس مشورتی سیاسی مرکب از نمایندگان گومیندان ، حزب کمونیست و سایر احزاب سیاسی و شخصیت‌های بی‌حزبی از تاریخ ۱۰ تا ۳۱ ژانویه ۱۹۴۶ در چون‌چینگ منعقد گردید . در کنفرانس مذکور پنج قطعنامه بتصویب رسید :

(۱) موافقت‌نامه درباره تشکیل دولت . این موافقت‌نامه تصدیق

ميكرد كه " در قانون ارگانيك دولت ملي بمنظور تقويت شوراي دولت ملي تجديد نظر خواهد شد ". موافقت نامه تعداد اعضاي شوراي دولت ملي را افزايش داد و مقرر ميداشت كه " اعضاي شوراي دولت ملي از طرف صدر دولت ملي از افراد منتسب يا غير منتسب به گوميتدان انتصاب خواهد شد " ؛ " انتصاب اعضاي احزاب مختلف بعنوان اعضاي شوراي دولت ملي كه بوسيله صدر دولت ملي صورت خواهد گرفت ، بنا بر پيشنهاد احزاب مذكور خواهد بود و هرگاه صدر دولت ملي با اين پيشنهاد موافق نباشد ، احزاب مذكور پيشنهادهاي جديد خواهند داد " ؛ " هرگاه صدر دولت ملي شخصيت بي حزبي را بعنوان نامزد شوراي دولت ملي پيشنهاد كند و يك سوم اعضاي شورا با اين پيشنهاد مخالف باشند ، صدر بايد در اين امر تجديد نظر كند و پيشنهاد تازه بدهد " . " نصف اعضاي شوراي دولت ملي از اعضاي گوميتدان خواهند بود و نصف ديگر از اعضاي ساير احزاب سياسي و شخصيتهاي سرشناس كشور " . شوراي دولت ملي اسماً بعنوان " ارگان عالي دولتي در عهده داري امور كشور " تعريف شده بود كه اختيار بحث و تصميم درباره اصول قانون گذاري ، رهنمودهاي سياسي ، اقدامات مهم سياسي و نظامي ، نقشه هاي مالي و بودجه و همچنين درباره اموري كه بررسي آنها را صدر دولت ملي بآن محول مي ساخت ، داشت ؛ از طرف ديگر صدر دولت ملي معذك داراي اختيارات معتنايه و از آن جمله حق انتصاب ، حق وتوي نسبي در مورد تصميمات ، و اختيارات فوق العاده بود . موافقت نامه مذكور همچنين مقرر ميداشت كه " هفت يا هشت عضو شوراي مجريه بايد از اشخاص خارج از گوميتدان انتصاب شوند . اينان پستهاي وزارت هاي موجود و يا پستهاي وزارتخانه مشاور را كه بوجود خواهد آمد ، اشغال خواهد كرد " .

(۲) برنامه صلح و ساختمان ملي . اين برنامه شامل نه فصل زير ميشود : " كليات " ، " حقوق خلق " ، " امور سياسي " ، " امور نظامي " ، " امور خارجي " ، " امور اقتصادي و مالي " ، " تعليم و تربيت و فرهنگ " ، " معاضدت و تجديد ساختمان " و " امور مهاجرين چيني " . فصل " كليات " مشعر بود بر " وحدت استوار " كلييه احزاب سياسي كشور " براي ساختمان چين نوين ، واحد ، آزاد و دموكراتيك " ؛ " دموكراتيزه كردن زندگي سياسي ، ملي كردن ارتشها ، تساوي احزاب سياسي و قانوني بودن آنها " ؛ " حل اختلافات سياسي با وسايل سياسي تا آنكه تكامل صلح آميز كشور تا مبن

گردد". فصل "حقوق خلق" مقرر ميداشت كه آزاديهاي فرد ، فكر ، رسوم مذهبي ، وجدان ، بيان ، مطبوعات ، اجتماعات ، اتحاديهها ، مسكن ، نقل و انتقال و مكاتبات براي خلق تضمين خواهد شد ، "اكيدا قذغن ميشود كه ارگاني و يا كسي كه نماينده قوه قضايه و يا پليس نيست به بازداشت ، بازپرسی و مجازات مردم بپردازد ، هر كس اين ماده را نقض كند ، كيفر خواهدديد".

فصل "امور سياسي" مقرر ميداشت كه "دستگاههاي اداري در كليۀ مدارج مورد تجديد سازمان قرار خواهند گرفت ، اختيارات و مسئوليتهاي آنها يكي و مشخص خواهد گرديد ، كليۀ ارگانهاي مضاعف حذف خواهد شد ، مقررات اداري ساده خواهد گرديد و هر يك از مدارج اداري داراي مسئوليتهاي مشخص خواهد بود" ؛ "كار براي كارمندان شايسته تضمين خواهد شد ، انتصاب به مشاغل دولتي براساس صلاحيت و سابقه صورت خواهد گرفت نه براساس تعلق بيك حزب ، چنـد شغلي و پارتی بازی قذغن خواهد بود" ؛ "سيستم بازرسى اكيدا مراعات خواهد شد ، اختلاس و ارتشاء مورد كيفر شديد قرار خواهد گرفت ، تسهيلا تي براي خلق فراهم خواهد آمد كه بتواند مأمورين فاسد را در كمال آزادي افشا كند" ؛ "مجدانه به اجراي خودمختاري محلي پرداخته خواهد شد و انتخابات عمومي از پائين تا بالا انجام خواهد يافت" ؛ "اختيارات دولت مركزي و ارگانهاي محلي برحسب تقسيم منصفانه اختيارات تعيين خواهد گشت ، ارگانهاي محلي ميتوانند تصميمات مناسب را بر حسب شرايط محلي اتخاذ كنند ولي مصوبات و مقررات استان يا شهرستان نبايد با قوانين و فرمانهاي دولت مركزي مغايرت داشته باشد". فصل "امور نظامي" مقرر ميداشت كه "تركيبات نظامي بايد پاسخگوي نيازمنديهاي دفاع ملي باشد ، سيستم نظامي برحسب رژيم دموكراتيک و شرايط خاص كشور اصلاح خواهد شد ، ارتش مستقل از احزاب سياسي خواهد بود و مقامات نظامي از مقامات كشوري تفكيك خواهد شد ، آموزش نظامي اصلاح خواهد گرديد ، تداركات ارتش تقويت خواهد شد ، سيستم پرسنل و سيستم اداره امور مالي بهبود خواهد يافت ، بطوري كه ارتش ملي مدرن بنا يابد" ؛ "سپاهيان سراسر كشور طبق نقشه تجديد سازمان نظامي بطور مؤثر تقليل خواهند يافت". فصل "امور اقتصادي و مالي" مقرر ميداشت كه "بسط سرمايه بوروكراتيک متوقف خواهد شد ، اكيدا قذغن خواهد شد كه مأمورين دولت از اختيارات و از موقعيت خود براي پرداختن به احتكار ، به انحصار جوئي ، به تقلبات ماليات ، به

قاچاق ، باختلاس وجوه عمومي و بهره‌برداري غيرقانوني از وسائل حمل و نقل سوء استفاده كنند “ ؛ ” بمنظور بهبود زندگي دهقانان ، بهره‌مالكانه و نرخ سود تقليل خواهد يافت ، حق مزارعه‌گيري دهقانان محفوظ خواهد شد ، پرداخت بهره‌مالكانه تأمين خواهد شد ، اعتبارات كشاورزي افزايش خواهد يافت و رباخواري جداً قدغن خواهد شد ، يك قانون ارضي بمنظور عملي ساختن هدف زيرين بموقع اجرا در خواهد آمد : ” زمين از آن كشتكار است ، “ ؛ ” يك قانون كار بموقع اجرا در خواهد آمد كه شرايط كار را بهبود بخشد “ ؛ ” وضع مالي بااطلاع عموم رسانيده خواهد شد . سيستم بودجه و حسابداري شديداً مراعات خواهد شد ، هزينه‌هاي بودجه شديداً تقليل خواهد يافت ، توازن هزينه و درآمد حفظ خواهد شد ، صلاحيت مالي دولت مركزي و ارگانهاي محلي از يكدیگر تفكيك خواهد شد ، حجم پول در جريان کاهش خواهد يافت ، سيستم پول تشبيت خواهد شد ، گرفتن و بكار بردن وام‌هاي داخلي و خارجي بااطلاع عموم خواهد رسيد و تحت نظارت ارگانهايي كه نماينده افكار عمومي هستند ، قرار خواهد گرفت “ ؛ ” در سيستم ماليات اصلاحات بعمل خواهد آمد ، كليه ماليات و عوارض كمرشكن گوناگون از ريشه از ميان برده خواهد شد و از هرگونه اجحاف جلوگیری بعمل خواهد آمد “ . فصل ” تعليم و تربيت و فرهنگ “ مقرر مي‌داشت كه ” آزادي فعاليتهاي آكادميك تضمين خواهد شد و هيچ مداخله‌اي بعنوان معتقدات مذهبي و يا نظرات سياسي در اداره آموزشگاهها مجاز نخواهد بود “ ؛ سهم بودجه دولت براي تعليم و تربيت و فرهنگ افزايش خواهد يافت “ ، ” سانسور زمان جنگ كه برروي مطبوعات ، طبع و نشر ، سينما ، تئاتر ، پست و تلهگراف برقرار است ، لغو خواهد شد “ .

(۳) موافقت‌نامه دربارۀ مجلس ملي . اين موافقت‌نامه مقرر مي‌داشت كه در مجلس ملي تعداد نمايندگان ” ۷۰۰ نفر افزايش خواهد يافت كه از ميان اعضاي احزاب مختلف و شخصيتهاي سرشناس تعيين خواهند شد “ ، ” وظائف و اختيارات نخستين مجلس ملي عبارت خواهد بود از تدوين قانون اساسي “ .

(۴) موافقت‌نامه دربارۀ طرح قانون اساسي . اين موافقت‌نامه مقرر مي‌داشت كه كميتۀ بازرسي‌اي براي طرح قانون اساسي تشكيل خواهد يافت كه طرح پيشنهادي گومپندان را در مورد قانون اساسي مورد تجديد نظر قرار

دهد ، و اصول تجدید نظر طرح قانون اساسی را تدوین کند . این موافقت‌نامه در کنار مقررات اصولی در مورد وظایف و اختیارات مجلس ملی و ارگانهای دولتی ، بخصوص "سیستم اداری محلی" و "حقوق و وظایف خلق" را معین مینمود . در مورد "سیستم اداری محلی" چنین مقرر میداشت که "استان عالی‌ترین واحد خودمختاری محلی است" ؛ "اختیارات دولتهای ایالتی نسبت به دولت مرکزی برحسب اصول منصفانه تعیین و تفکیک خواهد شد" ؛ "استاندار از طرف خلق انتخاب خواهد شد" ؛ "استان میتواند قانون اساسی استانی داشته باشد ولی نباید با مقررات قانون اساسی کشوری تضاد پیدا کند" . موافقت‌نامه در مورد "حقوق و وظایف خلق" چنین مقرر میداشت که "کلیه آزادی‌ها و حقوقی که عموماً خلق یک کشور دموکراتیک از آن بهره‌مند میشود ، در برابر هر نقض غیرقانونی مورد حمایت قانون اساسی قرار خواهد گرفت" ؛ "هدف کلیه مصوبات قانون‌گذاری که به آزادی‌های خلق مربوط میشود ، باید حمایت این آزادی‌ها باشد نه محدودیت آنها" ؛ "تعیین کار اجباری از وظایف قانون ارگانهای خودمختاری محلی خواهد بود نه از وظایف قانون اساسی کشوری" ؛ "حق خودمختاری برای اقلیتهای ملی که بصورت انبوه در مناطق معین بسر میبرند ، تضمین خواهد شد" .

(۵) موافقت‌نامه درباره امور نظامی . این موافقت‌نامه مقرر میداشت که "سیستم نظامی باید برحسب رژیم دموکراتیک و شرایط خاص کشور اصلاح شود" ؛ "نظام وظیفه سازمان بهتری خواهد یافت" ؛ "آموزش و تربیت در ارتش باید با اصولی که ارتش بر روی آنها بنا شده است ، مطابق گردد و برای همیشه از زیر سلطه احزاب سیاسی و ارتباطات شخصی بیرون آید" ؛ "ارتش مستقل از احزاب سیاسی خواهد بود" ؛ "هیچ حزب سیاسی ، هیچ فرد اجازه نخواهد داشت ارتش را بمنزله افزار مبارزه سیاسی بکار برد" ؛ "مقامات نظامی از مقامات کشوری تفکیک خواهد شد" و "هیچ فرد نظامی که خدمت آکتیف دارد ، نمیتواند در عین حال کارمند کشوری باشد" . موافقت‌نامه درباره تجدید سازمان ارتش گومیندان و ارتش مناطق آزاد شده چنین مقرر میداشت که "کمیسیون نظامی مرکب از سه عضو همانطور که پیش‌بینی شده است با سرعت تمام خواهد کوشید تا موافقت‌نامه‌ای درباره اقداماتی که برای تجدید سازمان ارتش حزب کمونیست چین ضروری است بامضاء برسد و این تجدید سازمان را بپایان رساند" ؛ ارتش گومیندان "بر طبق نقشه قبلی که

بوسیله وزارت جنگ تنظیم شده است در ۹۰ لشکر تجدید سازمان خواهد یافت و این تجدید سازمان هر چه زودتر و حد اکثر تا شش ماه به پایان خواهد رسید؛ پس از آنکه دو ماده فوق در باره تجدید سازمان بموقع اجرا درآمد، تمام سپاهیان کشور طبق نقشه واحدی در ۵۰ یا ۶۰ لشکر تجدید سازمان خواهند شد. این موافقت نامه های کنفرانس مشورتی سیاسی بدرجات مختلف بسود خلق بود نه بسود سلطه ارتجاعی چانكایشك. چانكایشك در عین حال که میخواست مردم را با ظاهر صلح خواهانه فریب دهد و بر این موافقت نامه ها صحه می گذاشت، مجدانه بتدارك برانگیختن جنگ داخلی بمقیاس ملی مشغول بود. این موافقت نامه های کنفرانس مشورتی سیاسی بزودی یکی پس از دیگری از طرف چانكایشك نقض گردیدند.

www.KetabFarsi.com

مصاحبه با خبرنگار آمریکائی انا لویز استرانگ

(اوت ۱۹۴۶)

ا. ل. استرانگ : آیا شما فکر میکنید که میتوان به حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله چین در آینده نزدیک امید داشت ؟

مائو تسه دون : این بستگی به روش دولت آمریکا دارد . چنانچه خلق آمریکا دستان مرتجعین آمریکائی را که در جنگ داخلی به چانکایشک کمک میکنند کوتاه کند ، آنوقت میتوان به صلح امید داشت .

استرانگ : آیا چانکایشک در صورت قطع کمک آمریکا — گذشته از

متن حاضر بیانیه مهمی است که از طرف رفیق مائو تسه دون کمی بعد از جنگ جهانی دوم در پیرامون اوضاع بین‌المللی و داخلی اعلام گردیده است . در این مصاحبه رفیق مائو تسه دون نیز معروف خود را که " تمام مرتجعین ببر کاغذی هستند " بیان میکند . این نیز از نظر ایدئولوژیک مردم ما را مسلح ساخت و اعتماد آنها را به پیروزی مستحکم نمود و بدین ترتیب نقش بسیار بزرگی در جنگ آزادیبخش توده‌ای ایفا کرد . عیناً مانند آنکه نین امپریالیسم را " غول پاگلی " نامیده است ، رفیق مائو تسه دون نیز امپریالیسم و تمام مرتجعین را ببر کاغذی می‌شمارد ، این هر دو تشبیه نمایشگر سرشت امپریالیسم می‌باشد . این نیز يك تفکر استراتژیک و اساسی

کمکی که تاکنون باو شده است (۱) — تا چند وقت دیگر قادر بادامه جنگ خواهد بود ؟

مائو : بیش از يك سال .

استرانگ : آیا واقعاً چانکایشك از نظر اقتصادی تا این مدت طولانی میتواند پایداری کند ؟

مائو : بله ، میتواند .

استرانگ : چه خواهد شد ، اگر ایالات متحده آمریکا اعلام کند که از این پس دیگر کمکی به چانکایشك نخواهد کرد ؟

مائو : تاکنون هیچ نشانه‌ای در دست نیست که حاکی از تمایل دولت آمریکا و چانکایشك به قطع آتش جنگ در آینده نزدیک باشد .

استرانگ : حزب کمونیست تا چند وقت دیگر میتواند پایداری کند ؟

مردم انقلابی میباشد . از دوران دومین جنگ انقلابی داخلی رفیق مائو تسه دون بدفعات خاطر نشان ساخته است که انقلابیون بایستی دشمن را از نظر استراتژیک و در مجموع کم بها دهند ، تا جرأت یابند با دشمن نبرد کنند و پیروزی کسب نمایند ؛ ولی در عین حال باید دشمن را از نظر تاکتیکی ، در هر مورد و در هر نبرد مشخص جدی گرفت ، با احتیاط عمل کرد ، به فنون رزمی توجه مخصوص بخشید ، و طبق زمان ، مکان و وضع موجود اشکال متناسب نبرد را بکار برد ، تا دشمن بتدریج منفرد گردیده و قدم بقدم بسوی نابودی سوق یابند . رفیق مائو تسه دون در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شهر او چان بتاریخ یکم دسامبر ۱۹۵۸ تأکید کرد :

همانطوریکه در جهان چیزی یافت نمیشود که طبیعت دوگانه نداشته باشد (این قانون وحدت تضداد است) ، امپریالیسم و تمام مرتجعین نیز دارای طبیعت دوگانه‌اند — آنها هم ببر حقیقی‌اند و هم ببر کاغذی . در تاریخ ، طبقات برده‌دار و مالکان ارضی فنودال و بورژوازی قبل از بدست

مائو : اگر بمیل ما باشد يك روز هم نخواهیم جنگید . ولی اگر اوضاع ما را بچنگ مجبور سازد ، ما قادریم تا آخر جنگ پایداری کنیم .

استرانگ : اگر مردم آمریکا از من بپرسند که چرا حزب کمونیست میجنگد ، من چه پاسخی باید بدهم ؟

مائو : علت این جنگ اینستکه چانکایشک قصد کشتار مردم چین را کرده است ، و مردم نیز برای زنده ماندن مجبور به دفاع از خود هستند . این را مردم آمریکا میتوانند بفهمند .

استرانگ : نظر شما درباره امکان شروع جنگ از طرف ایالات متحده آمریکا علیه اتحاد شوروی چیست ؟

مائو : تبلیغات درباره جنگ علیه اتحاد شوروی دو جنبه دارد . جنبه اول اینستکه امپریالیسم آمریکا واقعاً جنگی را علیه اتحاد شوروی

آوردن قدرت دولت و یا تا مدتی بعد از آن ، سرشار از نیروی حیات ، انقلابی و مترقی بودند - آنها بیران حقیقی بودند ، ولی باگذشت زمان بعلت اینکه طرف مخالف آنان - طبقه بردگان ، طبقه دهقانان و پرولتاریا - بتدریج نیرومند گردیده و علیه آنها هر لحظه شدیدتر مبارزه میکردند ، این طبقات حاکم رفته رفته بعکس خود تغییر یافتند ، به افراد مرتجع و عقب مانده مبدل گردیدند - آنها بیران کاغذی شده و سرانجام از طرف مردم سرنگون گردیدند ، یا سرانجام سرنگون خواهند شد . طبقات مرتجع ، عقب مانده و پوسیده این خصلت دوگانه را حتی در برابر مبارزه مرگ و زندگی خلق نیز حفظ میکنند . آنها از یکسو بیران حقیقی و آدمخوارند و انسانها را میلیون میلیون ، ده میلیون ده میلیون می بلعند . امر مبارزه خلق دوران سخت و پردردی را پیموده و از راه پرپیچ و خمی گذشته است . مردم چین قبل از رسیدن به پیروزی در سال ۱۹۴۹ ، برای برانداختن سلطه امپریالیسم و فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک در چین مجبور شدند که بیش از صد سال وقت صرف کنند و دهها میلیون

تدارك مي بينند . تبليغات كنوني درباره جنگ عليه اتحاد شوروي مانند ساير تبليغات ضد شوروي بمفهوم تدارك سياسي براي چنين جنگي است ؛ جنبه ديگر اينستكه مرتجعين آمريكا از اين تبليغات چون ساتري براي پوشش تضادهاي موجوديکه امپرياليسم آمريكا هم اكنون در مقابل دارد ، استفاده ميكنند . اين تضادها عبارتند از : تضاد بين مرتجعين آمريكا و خلق آمريكا ، تضاد بين امپرياليسم آمريكا و ساير كشورهاي سرمايه داري و تضاد بين امپرياليسم آمريكا و كشورهاي مستعمره و نيمه مستعمره . در حال حاضر ، هدف واقعي شعار آمريكا در اقدام به جنگي ضد شوروي ، فشار ب مردم آمريكا و گسترش قواي تجاوزي خود در ساير كشورهاي سرمايه داري جهان است . همانطوريکه ميدانيد هيتلر و همدستانش — ميليتاريستهاي ژاپن — مدت مديدي از شعارهاي ضد

جان آدمي قرباني دهند . ملاحظه كنيد ، آيا اينان بيران زنده ، بيران آهنين ، بيران حقيقي نبودند ؟ ولي سرانجام به بيران كاغذي ، بيران مرده و بيران خميري مبدل گشتند . اينها همه حقايق تاريخي هستند . آيا انسانها شاهد اين رخدادها نبوده يا درباره آنها چيزي نشنيده اند ؟ اينها همه در واقع هزاران هزار گواه هستند ! هزاران هزار ! بدين سبب بايستي امپرياليسم و همه مرتجعين را بطور ماهوي و از يك ديد طولاني و از نظر استراتژيك همانگونه كه واقعا هستند ، بير كاغذي شمرد . فكر استراتژيك ما بايد بر اين پايه استوار گردد . از سوي ديگر آنها بيران زنده ، بيران آهنين ، بيران حقيقي هستند كه قادرند انسانها را ببلعند . بر اين اساس است كه بايد فكر تاكتيكي ما استوار گردد . پيرامون لزوم ناچيز شمردن دشمن از نظر استراتژيك و جدي گرفتن آن از لحاظ تاكتيكي به : « مسائل استراتژي در جنگ انقلابي چين » فصل ۵ ، بخش ۶ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول و همچنين به « در باره بعضي مسائل مهم سياست كنوني حزب » بخش اول ، جلد حاضر ، مراجعه شود .

شوروی چون دست‌آویزی برای برده ساختن مردم کشورهای خود و تجاوز به کشورهای دیگر استفاده می‌کردند . اکنون نیز مرتجعین آمریکا درست همین شیوه را بکار می‌برند .

هرگاه مرتجعین آمریکا بخواهند جنگی برانگیزند ابتدا باید بحرم آمریکا یورش برند . آنها هم اکنون به تعرض علیه مردم آمریکا دست زده‌اند - از لحاظ سیاسی و اقتصادی کارگران و دموکراتهای آمریکا را مورد ستم قرار داده و خود را برای استقرار فاشیسم در ایالات متحده آمریکا آماده کرده‌اند . مردم آمریکا باید بپاخیزند و در برابر حملات مرتجعین آمریکا مقاومت کنند . سن مطمئن هستم که مردم آمریکا چنین خواهند کرد .

ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی را منطقه پهناوری از هم جدا می‌سازد که تعداد زیادی از کشورهای سرمایه‌داری ، مستعمره و نیمه مستعمره اروپا ، آسیا و آفریقا را دربر می‌گیرد . تا زمانیکه مرتجعین آمریکا این کشورها را بزیر فرمان خود در نیآورده‌اند ، نمیتوانند به اتحاد شوروی حمله کنند . اکنون ایالات متحده آمریکا در اقیانوس آرام مناطقی وسیعتر از تمام مناطق نفوذ سابق بریتانیا ، تحت نظارت دارد . ایالات متحده آمریکا بر ژاپن ، بر قسمتی از چین که تحت سلطه گومیندان است ، بر نیمی از کره و جنوب اقیانوس آرام نظارت میکند و دیر زمانی است که آمریکای مرکزی و جنوبی را نیز بزیر کنترل خود کشیده است و علاوه بر این تلاش میکند تا تمام امپراطوری بریتانیا و اروپای غربی را نیز زیر نظارت خود در آورد . آمریکا به بهانه‌های مختلف تدابیر نظامی وسیعی اتخاذ کرده و در بسیاری از کشورها پایگاه‌های نظامی برقرار ساخته است . مرتجعین آمریکا

خود اذعان دارند که پایگاه‌های نظامی‌ایکه در سراسر جهان ایجاد کرده و یا می‌خواهند ایجاد کنند، علیه اتحاد شوروی متوجه است. بله، این حقیقتی است که این پایگاه‌های نظامی همگی علیه اتحاد شوروی متوجه‌اند. ولی در حال حاضر این اتحاد شوروی نیست که هدف تجاوز مستقیم آمریکا قرار می‌گیرد، بلکه کشورهایی که در خاک آنها پایگاه‌های نظامی آمریکا مستقر شده‌است، مورد این تجاوز قرار گرفته‌اند. من ایمان دارم دیری نپاید که این کشورها پی‌برند که ستمگر واقعی آنان کیست - اتحاد شوروی است یا ایالات متحده آمریکا. و آن روز هم فرا خواهد رسید که مرتجعین آمریکا خلقهای سراسر جهان را علیه خود ببینند.

البته منظور من این نیست که مرتجعین آمریکا قصد حمله با اتحاد شوروی را ندارند. اتحاد شوروی مدافع صلح جهانی و عامل نیرومندی در جلوگیری از استقرار سلطه جهانی مرتجعین آمریکاست. در سایه وجود اتحاد شوروی است که مرتجعین آمریکا و مرتجعین تمام جهان بهیچوجه نمیتوانند بمقصد آرزودانه خود جامه عمل بپوشانند. و از اینرو است که مرتجعین آمریکا نسبت به اتحاد شوروی کینه شدیدی در دل گرفته‌اند و حقیقتاً هم خیال نابودی این دولت سوسیالیستی را در سر می‌پرورانند. اما این حقیقت که اکنون، اندکی پس از جنگ جهانی دوم، مرتجعین آمریکا درباره جنگ میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی چنان هیاهو و جاروجنجال بپا ساخته و محیط را زهرآگین کرده‌اند، ما را وادار می‌سازد که به این هدف واقعی آنان توجه بیشتری مبذول داریم. آنها زیر شعار ضد شوروی در واقع به کارگران و دموکراتهای آمریکا بطرز وحشیانه‌ای یورش برده و می‌خواهند کشورهایی را که هدف نقشه‌های

توسعه طلبانه خود قرار داده‌اند ، به زائده ایالات متحده آمریکا بدل سازند . بنظر من ، مردم آمریکا و مردم تمام کشورهای که مورد تهدید تجاوز آمریکا قرار گرفته‌اند ، باید متحد شده و علیه یورش های مرتجعین آمریکا و نوکرانشان در این کشورها مبارزه کنند . تنها پیروزی در این مبارزه است که وقوع جنگ جهانی سوم را غیرممکن میسازد ، و گرنه جنگ اجتناب ناپذیر است .

استرانگ : این توضیح بسیار روشنی است . ولی چه خواهد شد ، اگر آمریکا بمب اتمی استعمال کند و اتحاد شوروی را از پایگاه های خود واقع در آیسلند ، اوکیناوا و چین بمباران کند ؟

مائو : بمب اتمی بیری کاغذی است که مرتجعین آمریکا برای ارباب انسانها از آن استفاده میکنند . بمب اتمی بظاهر ترسناک بنظر میرسد ولی در واقع چنین نیست . البته بمب اتمی يك اسلحه كشتار جمعی است ، ولی این خلق است که فرجام جنگ را معین میکند ، نه يك یا دو سلاح نوین .

تمام مرتجعین بپر کاغذی هستند . مرتجعین بظاهر ترسناک بنظر میآیند ، ولی در واقع چندان نیرومند نیستند . در بررسی مسایل از دید وسیع و طولانی ملاحظه میشود که نیروی عظیم واقعی را خلق صاحب است ، نه مرتجعین . چه کسانی در روسیه ، قبل از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ ، قدرت واقعی را در دست داشتند ؟ در آنزمان تزار ظاهراً قدرت داشت ، ولی انقلاب فوریه با يك ضربه بادی صفحه زمین را از وجودش پاک ساخت . و سرانجام معلوم شد که در روسیه ، قدرت در دست شوراهاى کارگری ، دهقانی و سربازی بود و تزار بیری کاغذی بیش نبود . مگر هیتلر در زمان خودش نیرومند محسوب نمیشد ؟ ولی بالاخره تاریخ ثابت

کرد که او هم بیری کاغذی بیش نبود . موسولینی بهمان نحو ، اسپریالیسم ژاپن نیز بهمان شکل . بر عکس قدرت اتحاد شوروی و مردم شیفته آزادی و دموکراسی در جهان ، بمراتب از آنچه که پیش‌بینی میشود ، پرتوان‌تر است .

چانکایشک و حامیانش - مرتجعین آمریکا - نیز بران کاغذی‌اند . وقتی که از اسپریالیسم آمریکا سخن بمیان می‌آید ، گمان میرود که او صاحب قدرت خارق‌العاده‌ایست ، و مرتجعین چین هم از این " قدرت " آمریکا برای اوعاب مردم چین استفاده میکنند . اما بالاخره ثابت خواهد شد که مرتجعین آمریکا نیز مانند سایر مرتجعین در تاریخ ، صاحب قدرتی نیستند . در آمریکا نیروی واقعی را کسان دیگری در اختیار دارند - خلق آمریکا . وضع چین را در نظر بگیریم : ما بجز ارزن و تفنگ چیز دیگری که بدان تکیه کنیم ، نداریم ، ولی سرانجام تاریخ ثابت خواهد کرد که این ارزن و تفنگ ما نیرومندتر از هواپیماها و تانکهای چانکایشک است . با وجود اینکه مردم چین هنوز مشکلات فراوانی در برابر دارند و مدتی طولانی مجبور به تحمل رنجبائی از حملات مشترک اسپریالیستهای آمریکا و مرتجعین چینی خواهند بود ، ولی سرانجام روز شکست این مرتجعین و پیروزی ما فرا خواهد رسید . دلیل این امر ساده است : مرتجعین نماینده ارتجاع و ما نماینده پیشرفت و ترقی هستیم .

یادداشتها

۱ - اسپریالیستهای آمریکا برای کمک به چانکایشک در برآه انداختن جنگ داخلی ضد توده‌ای ، بنولت وی کمکهای فراوان نمودند . ایالات متحده

آمریکا تا پایان ژوئن ۱۹۴۶ ، ۴۵ لشکر گومیندان را مجهز کرد . ایالات متحده آمریکا ۱۵۰,۰۰۰ نفر سپاهی گومیندان ، شامل نیروهای زمینی ، دریائی ، هوائی ، عمال مخفی ، واحدهای پلیس ارتباطات ، افسران ستاد ، افسران بهداشتی ، کارمندان مالی و غیره را تعلیم داد . ناوگان جنگی و هواپیماهای آمریکا ۱۴ سپاه گومیندان (شامل ۴۱ لشکر) و ۸ تیپ واحدهای پلیس ارتباطات را که جمعاً بیش از ۵۴۰,۰۰۰ نفر میشد ، برای هجوم به مناطق آزاد شده به جبهه حمل کردند . دولت آمریکا ۹۰,۰۰۰ تفنگدار دریائی را بخاک چین پیاده کرد که در شهرهای عمده مانند شانگهای ، چینگ دائو ، تیانزین ، بی پین و چینگ هوان دائو مستقر گردیدند و در شمال چین خطوط ارتباطات را برای گومیندان حفظ میکردند . طبق اطلاعاتیکه در کتاب سفید بنام « روابط ایالات متحده آمریکا با چین » که در ۵ اوت ۱۹۴۹ از طرف وزارت خارجه آمریکا منتشر گردید ، افشا شد ، ارزش کل کمک آمریکا به دولت چانکایشک بشکلهای مختلف از زمان جنگ مقاومت ضد ژاپنی تا سال ۱۹۴۸ به چهار میلیارد و پانصد میلیون دلار میرسد (قسمت عمده کمک آمریکا به دولت گومیندان در زمان جنگ مقاومت ضد ژاپنی برای جنگ داخلی ضد توده‌ای بعدی ذخیره شده بود) . ولی جمع کل حقیقی کمک آمریکا به چانکایشک خیلی بالاتر از این رقم است . در کتاب سفید آمریکا اعتراف میشود که کمک ایالات متحده آمریکا بالغ بر " بیش از ۵۰ در صد مخارج نقدی " دولت چانکایشک بوده و " نسبت به بودجه این دولت کمک آمریکا بطور نسبی بیشتر از کمک او به هر یک از کشورهای اروپای غربی پس از پایان جنگ بوده است " .

www.KetabFarsi.com

تمرکز نیروهای برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن

(۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶)

- ۱ - تمرکز نیروهای برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن (۱)
شیوه نبردی است که نه فقط باید در آرایش قوا طی عملیات اپراتیو بلکه باید در آرایش قوا طی عملیات تاکتیکی نیز بکار رود .
- ۲ - در آرایش قوا طی عملیات اپراتیو هنگامیکه دشمن تیپهای (۲)
(یا هنگهای) بسیاری وارد میدان میکند و در چندین ستون بسوی ارتش ما پیش می‌آید ، ارتش ما باید نیروهائی مطلقاً برتر یعنی شش ، پنج ، چهار و یا لااقل سه برابر نیروهای دشمن را متمرکز سازد و در لحظه مناسب نخست یک تیپ (یا یک هنگ) دشمن را محاصره و نابود کند . این تیپ (یا این هنگ) باید یکی از تیپهای نسبتاً ضعیف دشمن باشد ، یا از پشتیبانی کمتری برخوردار باشد و یا اینکه در محلی مستقر باشد که سرزمین و سکنه آن محل برای ما بسیار مساعد و

متن حاضر دستور درون حزبی است که از طرف رفیق مائوتسه دون برای کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه و تدوین گردیده است.

برای دشمن نامساعدند . ارتش ما باید با نیروهای اندک سایر تیپهای (یا هنگهای) دشمن را تثبیت کند و نگذارد که آنها بسرعت بکمک تیپ (یا هنگ) مذکور که مورد محاصره و حمله ما قرار گرفته ، بشتابند و این بارتش ما امکان خواهد داد که قبل از هر چیز تیپ (یا هنگ) محصور را نابود سازد . پس از آنکه این موفقیت بدست آید ، برحسب اوضاع و احوال یا باید يك یا چند تیپ دیگر دشمن را نابود کنیم و یا اینکه باید واحدهای خود را عقب بکشیم ، استراحت بدهیم ، تقویت کنیم و برای نبردهای آینده آماده سازیم (اینک دو مثال برای مورد اول : واحدهای ما بفرماندهی سو یو و تن جن لین در نزدیکی ژو گائو در ۲۲ اوت يك واحد ۵ هزار نفری از پلیس ارتباطات دشمن (۲) و سپس در ۲۶ اوت يك تیپ و باز در ۲۷ اوت يك تیپ و نیم از قوای دشمن را نابود ساختند (۴) . واحدهای ما بفرماندهی لیو بوه چن و دن سیائو پین از ۳ تا ۶ سپتامبر يك تیپ از واحدهای دشمن را در نزدیکی دین تائو و يك تیپ دیگر را در بعد از ظهر ۶ سپتامبر و باز دو تیپ دیگر را در ۷ و ۸ سپتامبر نابود ساختند (۵) . در آرایش نیروها طی عملیات اپراتیو ما باید این شیوه اشتباه‌آمیز — یعنی در نتیجه کم بها دادن بدشمن قوای خود را برای مقابله با همه ستونهای دشمن تقسیم کردن — را بدور افکنیم ، زیرا با این شیوه نخواهیم توانست حتی يك ستون دشمن را هم نابود کنیم و بالاخره به پاسیویته خواهیم افتاد .

۳ — در آرایش قوای طی عملیات تاکتیکی ، هنگامیکه ارتش ما یکی از ستونهای دشمن (يك تیپ یا يك هنگ) را با تمرکز نیروهای مطلقاً برتر محاصره کرد ، قسمتهای (یا واحدهای) حمله ما نباید در صدد برآیند در آن واحد و با يك ضربه کلیه نیروهای محصور را نابود

سازند ، زیرا در اینصورت ناچار خواهند شد نیروهای خود را تقسیم کنند و بدون قدرت کافی بهمه طرف حمله نمایند و در نتیجه در نیل به موفقیت دچار اتلاف وقت و دشواری میگردند . آنها باید نیروهائی مطلقاً برتر یعنی شش ، پنج ، چهار و یا لااقل سه برابر نیروهای دشمن را متمرکز سازند ، کلیه واحدهای توپخانه و یا قسمت اعظم آنها متمرکز سازند ، يك نقطه نسبتاً ضعیف (نه اینکه دو نقطه) از مواضع دشمن را انتخاب کنند و بشدت بدان حمله ور گردند تا آنکه به پیروزی قطعی دست یابند و آنگاه باید از این پیروزی بسرعت بهره برداری کرده و نیروهای دشمن را یکایک نابود سازند .

۴ - نتیجه این شیوه نبرد عبارت است از : اولاً نابودی کامل دشمن و ثانیاً فرجام سریع نبرد . تنها نابودی کامل است که بر دشمن مؤثرترین ضربات را وارد می آورد ، زیرا وقتیکه ما هنگی را نابود سازیم ، يك هنگ از دشمن کم میشود و وقتیکه تپیی را نابود سازیم ، يك تپ از دشمن کم میشود . این شیوه بخصوص آنگاه مؤثر است که در برابر دشمنی که باندازه کافی واحدهای خط دوم ندارد ، بکار رود . فقط نابودی کامل است که بما امکان میدهد نیروهای خود را بعداً کمتر ترسیم کنیم . در حال حاضر ، نابودی کامل فقط منبع عمده اسلحه و مهمات ما نیست ، بلکه منبع سهمی برای نیروی انسانی ارتش ما نیز بشمار میرود . نابودی کامل روحیه سپاهیان دشمن را تخریب میکند و آنها را خموده میگرداند ولی برعکس روحیه افراد ما را قوی میکند و بآنها الهام میبخشد . فرجام سریع به واحدهای ما امکان میدهد که یا نیروهای امدادی دشمن را یکایک نابود سازند و یا اینکه از نبرد با آنها طفره ببرند . فرجام سریع در عرصه عملیات تاکتیکی و اپراتیو شرط ضرور برای عملیات طولانی

در عرصه امتراتژیک است .

۵ - در ارتش ما هنوز کادرهای زیادی هستند که اصل تمرکز نیروها برای نابودی یکایک نیروهای دشمن را در مواقع عادی تأیید میکنند ، ولی در موقع بیکار غالباً نمیتوانند آنها بکار برند . این امر ناشی از کم بها دادن بدشمن و همچنین ناشی از فقدان تربیت جدی و بررسی دقیق این شیوه نبرد است . باید با ارائه مثالهای مشروح از نبردهای گذشته مزایای این شیوه نبرد را مکرراً توضیح داد و ثابت نمود که وسیله عمده در هم شکستن حملات چانکایشک همین شیوه است . بکار بردن این شیوه به پیروزی و بکار بردن آن به شکست می انجامد .

۶ - اصل تمرکز نیروها برای نابودی یکایک نیروهای دشمن ، سنت ستوده‌ای است که ارتش ما طی مدتی پیش از ده سال از آغاز تأسیس خود بآن وفادار بوده است ؛ این نخستین بار نیست که این اصل مطرح میشود . درست است که ارتش ما در دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی بطور عمده به پخش نیروها بمنظور اقدام به جنگ پارتیزانی توسل میجست و تمرکز نیروها برای دست زدن به جنگ متحرک شیوه فرعی او بود ، اما در جنگ داخلی کنونی که شرایط تغییر یافته است ، شیوه نبرد هم باید تغییر یابد ؛ تمرکز نیروها بمنظور اقدام به جنگ متحرک باید شیوه عمده و پخش نیروها برای دست زدن به جنگ پارتیزانی شیوه فرعی ارتش ما باشد . اینک در شرایطی که ارتش چانکایشک با سلاحهای نیرومندتری مجهز شده ، ارتش ما باید برای شیوه تمرکز نیروهای برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن اهمیت خاصی قابل شود .

۷ - آنگاه که دشمن در حال تعرض است و ما در حال دفاع هستیم ، باید باین شیوه توسل جوئیم . ولی هنگامیکه دشمن در حال

دفاع است و ما به تعرض میپردازیم ، باید ایندو وضعیت را از هم تشخیص بدهیم و دو شیوه مختلف اتخاذ نمائیم . اگر نیروهای ما در نقطه معینی زیاد باشند و دشمن از حیث نفرات نسبتاً ضعیف باشد و یا اگر ارتش ما غافلگیرانه بدشمن حمله کند ، در آنصورت میتوان در عین حال بچندین واحد وی ضربه زد . مثلاً بین ۵ و ۱۰ ژوئن واحدهای ما در شان دون در عین حال به بیش از ده شهر کوچک بر روی خطوط راه آهن چینگ دائو - جی نان و تیائزین - پوکو حمله کردند و آنها را گرفتند (۶) . مثال دیگر ، بین ۱۰ و ۲۱ اوت واحدهای ما تحت رهبری لیو بوه چن و دن سیائو بین به بیش از ده شهر کوچک در طول منطقه کای فون و سیو جو از خط لون های حمله کردند و آنها را گرفتند (۷) . اما در صورتیکه ما نیروی کافی نداشته باشیم ، باید شهرهای تحت اشغال دشمن را یکی پس از دیگری بگیریم و نباید باو در عین حال در چندین شهر حمله ور شویم . درست بوسیله همین شیوه بود که نیروهای ما در شانسی شهرهای طول راه آهن داتون - پو جو را بتصرف در آوردند (۸) .

۸ - هنگامیکه قوای عمده ما برای نابود ساختن دشمن بتمرکز است ، عملیات ارتش ما باید با عملیات فعال قسمتهای محلی ، واحدهای پارتیزانی محلی و دستجات چریک توده‌ای همسوئی داشته باشد . هنگامیکه قسمتهای (یا واحدهای) محلی بیک هنگ ، یک گردان یا یک گروهان دشمن حمله میبرند ، نیز باید اصل تمرکز نیروها برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن را بکار بندند .

۹ - اصل تمرکز نیروها برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن ، هدف عمده‌اش نابودی قوای مؤثر دشمن است نه دفاع از سرزمین و یا تصرف آن . در بعضی از موارد بمنظور تمرکز نیروها برای نابود

ساختن نیروهای دشمن و یا بمنظور اینکه به قوای عمده ما امکان داده شود که از حملات سنگین دشمن بپرهیزند و باین طریق استراحت و آموزش و تقویت خویش را برای نبردهای آینده آسان گردانند ، میتوان این یا آن سرزمین را ترك گفت . در صورتیکه ارتش ما قادر باشد نیروی مؤثر دشمن را بمقیاس وسیعی نابود سازد ، خواهد توانست سرزمین های از دست رفته را دوباره پس بگیرد و علاوه بر این سرزمین های جدیدی را تسخیر کند . از اینرو باید کلیه کسانی را که به نابود ساختن نیروی مؤثر دشمن موفق میشوند ، تشویق کرد . ما نه فقط باید کسانی را که واحدهای منظم دشمن را نابود میسازند بلکه کسانی را که واحدهای امنیت عمومی ، گروه های بازگشت به موطن (۹) و سایر نیروهای محلی ارتجاع را نابود میسازند ، نیز تشویق کنیم . ولی هر بار که تناسب قوا بین دشمن و ما اجازه میدهد و هر بار که سرزمین از لحاظ عملیات اپراتیو و تاکتیکی اهمیت می یابد ، باید به حفظ و یا تسخیر آن پردازیم و گرنه اشتباه کرده ایم . از اینجهت باید کسانی را هم که به حفظ و تسخیر چنین سرزمین هایی موفق میشوند ، تشویق کرد .

یادداشتها

- ۱ - اصطلاحات " نابودی دشمن " و " از بین بردن دشمن " در این اثر بصورت مترادف بکار رفته اند ، و هر دو آنها بمعنای کشتن ، زخمی کردن و اسیر گرفتن سپاهیان دشمن اند .
- ۲ - ساختمان نیروهای منظم گومیندان در اصل بدینقرار بود که يك سپاه از سه یا فقط دو لشکر تشکیل میشد که هر يك شامل سه هنگ میگردد . پس از مه سال ۱۹۴۶ واحدهای منظم گومیندان که در جنوب رودخانه زرد مستقر بودند ،